

واکاوی عوامل انسجام در خطبه شقشقیه امام علی علیه السلام با اتکا به الگوی هالیدی و حسن

محمدحسن امرائی*
عبدالواحد بامری**

چکیده

از مشهورترین خطبه‌های نهج‌البلاغه که علی‌رغم حجم اندک از موضوعات متنوعی سخن گفته، خطبه شقشقیه یا مَقَمَصه است. این خطبه در حساس‌ترین شرایط روحی امام علی علیه السلام با شش بخش یا موضوع مختلف ارائه گردیده است. نظر به همین تنوع موضوع و حجم اندک، کیفیت انسجام در این خطبه می‌تواند مورد سؤال قرار گیرد. در این پژوهش بر اساس نسخه تکامل‌یافته از نظریه نظام‌مند هالیدی و حسن در ۱۹۸۵ میلادی و نیز مفهوم هماهنگی انسجامی که رقیه حسن در سال ۱۹۸۴ میلادی مطرح نمود، عوامل انسجام و هماهنگی انسجامی در پنج بخش نخست خطبه شقشقیه امام علی علیه السلام، به صورت گزینشی و استقرایی به بوته نقد و ارزیابی توصیفی-تحلیلی و آماری گذاشته می‌شود. نگارنده بر آن است با نگاهی فراجمله‌ای و متن‌بنیاد، با اتکا به نظریه مذکور، عوامل انسجام، هماهنگی انسجامی و نیز میزان این انسجام را در متن خطبه شقشقیه مشخص نماید. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد علی‌رغم وجود تفاوت‌هایی در نسبت عناصر دستوری و واژگانی، خطبه شقشقیه بر مبنای الگوی هالیدی و حسن (۱۹۸۵م) از انسجام متنی بسیار بالایی برخوردار است.

واژگان کلیدی: نظریه انسجام، هماهنگی انسجامی، خطبه شقشقیه، زبان‌شناسی نقش‌گرا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران (نویسنده مسئول).

m.amraei@velayat.ac.ir

** استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران.

avahedbameri@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۸/۴/۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۸

۱۷۵

دهن

واکاوی عوامل انسجام در خطبه شقشقیه امام علی با اتکا به الگوی هالیدی و حسن

مقدمه

زبان‌شناسی نقش‌گرا یکی از نگرش‌های مسلط در زبان‌شناسی نظری امروز به شمار می‌رود که بر نقش‌های زبانی تأکید دارد. نقش‌گرایان معتقدند «زبان ابزاری برای تعامل اجتماعی و واحد تحلیل متن در بافت است. در این معنا، نسبت واحدهای زبانی و روابط صوری آنها با بافت است که معانی خاص را افاده می‌کند» (Halliday & Hasan, 1985, p.40)؛ از این رو آنان کار خود را با تکیه بر حیطه کلام آغاز می‌کنند و در تحلیل کلام، متن را مجموعه‌ای منسجم و معنادار می‌دانند. «از این دیدگاه، نظام زبان نظامی دل‌خواهی و قراردادی نیست، بلکه طبیعی و بارآورده جامعه و متناسب با نیازهای جامعه و انسان است؛ به طوری که هر عنصری از زبان را می‌توان با ارجاع به نقش آن در سیستم کلی زبان تبیین کرد» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶، ص ۱۴). بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز نقش‌گرا، مایکل هالییدی با همکاری رقیه حسن، انسجام متن را در کتابی با عنوان «انسجام در انگلیسی»، بررسی و عناصر آن را مقوله‌بندی کرده‌اند. شاخه‌ای از دانش تجزیه و تحلیل کلام (گفتمان/ سخن‌کاوی) است و بر این اصل بنیان دارد که «یک متن زمانی به گفتمان تبدیل می‌شود که کلیتی منسجم داشته باشد؛ حتی اگر از یک تکه کوچک زبانی تشکیل شده باشد» (گرین و لیبهان، ۱۳۸۳، ص ۳۳). بر این اساس انسجام عامل اصلی در شکل‌گیری متن است؛ همچنان‌که هالییدی معتقد است انسجام به عنوان مفهومی معنابخش، از طریق ایجاد روابط معنایی میان بخش‌های یک نوشته یا گفته، آن را به یک متن تبدیل می‌کند (ر.ک: Halliday & Hasan, 1976, p.4). نظریه انسجام به سبب قابلیت که در تعیین میزان انسجام در هر متنی - اعم از ادبی و غیرادبی - دارد، می‌تواند چارچوبی کارآمد در راستای تحلیل میزان انسجام در متن **نهج البلاغه** باشد. یکی از خطبه‌های **نهج البلاغه** که علی‌رغم حجم اندک از موضوعات متنوعی سخن گفته، خطبه شقیه است. این خطبه از معروف‌ترین خطبه‌های **نهج البلاغه** است که در حساس‌ترین شرایط روحی حضرت علی علیه السلام ارائه شده است.* نظر به

* به دلیل طولانی‌شدن جدول‌ها و تحلیل آنها، فقط پنج بخش نخست خطبه بررسی گردیده و بخش ششم خطبه یعنی «بیعت عمومی مردم با امیرالمؤمنین علیه السلام» در این مقاله بررسی نشده است. شایان

همین تنوع موضوعات و حجم اندک خطبه، کیفیت انسجام در این متن می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس در این پژوهش بر مبنای نظریه انسجام هالیدی و حسن (نسخه ۱۹۸۵م) کیفیت انسجام در متن خطبه شقشقیه به تحلیل گذاشته می‌شود و در پایان نیز به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

- ۱- آیا متن خطبه شقشقیه از انسجام متن و هماهنگی انسجامی برخوردار است؟
- ۲- انسجام متنی خطبه شقشقیه با رویکرد به الگوی انسجام هالیدی و حسن (۱۹۸۵) به چه میزان است؟
- ۳- عوامل انسجام متن در خطبه شقشقیه کدام‌اند؟

از طرفی شایان توجه است که **نهج البلاغه** متنی جامع است که با قالبی ادبی مفاهیمی عمیق را در زمینه‌های مختلف عرضه کرده است. میزان توجه به این کتاب غیرقابل انکار و جنبه ادبی آن نیز دستمایه پژوهش‌های فراوان دانشگاهی بوده است؛ اما نگاهی اجمالی به این پژوهش‌ها حاکی از آن است که اکثریت قریب به اتفاق آنها به شیوه‌ای سنتی و با تکیه بر بلاغت قدیم به این متن گرانسنگ پرداخته‌اند. مقاله پیش رو با هدف رفع این خلأ و در جهت بررسی متفاوت **نهج البلاغه** سعی دارد با تکیه بر یکی از الگوهای جدید تحلیل متن، به پژوهش درباره خطبه «شقشقیه» **نهج البلاغه** بپردازد. از جمله نواقص پژوهش‌ها پیشین در خصوص **نهج البلاغه** جزئی‌نگری و عدم بررسی متن و کلیت یک خطبه مستقل و مهم است؛ از این رو در این مقاله با تکیه بر الگوی «انسجام متن» که توسط زبان‌شناسان متن به عنوان یکی از عوامل متن‌وارگی مطرح شده است، تلاش می‌گردد انسجام و عناصر انسجامی و میزان آن در خطبه حماسی-سیاسی «شقشقیه» از **نهج البلاغه** تحلیل و کارکردهای مختلف ابزارهای انسجام آن شناسایی شود و میزان اهمیت و بسامد کاربرد هر یک از این عناصر در متن خطبه مشخص گردد.

برای یافتن پاسخ پرسش‌های پژوهش، ابتدا ماهیت انسجام و عوامل انسجامی از دیدگاه این دو زبان‌شناس بررسی و سپس بر اساس داده‌های مورد نظر، انسجام و

توجه است که با بررسی جداگانه این بخش، میزان انسجام آن با بخش‌های قبلی کاملاً برابر تشخیص داده شد؛ بنابراین نبود این بخش تأثیری بر نتیجه پژوهش نخواهد گذاشت.

میزان آن در خطبه شقشقیه ارزیابی می‌شود. قبل از ورود به تحلیل موضوع اصلی، به روش‌شناسی و مفاهیم نظری پژوهش پرداخته می‌شود.

روش مطالعه

روش این مطالعه «تحلیلی- تطبیقی» بوده و ساختار آن، به دو بخش اساسی تقسیم می‌شود. بخش نظری که از شماره (۲) آغاز می‌گردد، ابتدا به تحلیل نظریه انسجام و زیرشاخه‌های متعدد آن پرداخته سپس نحوه استفاده از این نظریه را معرفی می‌کند. بخش تطبیقی که با شماره (۴) آغاز می‌گردد، به تطبیق الگوی انسجام هالیدی در متن خطبه شقشقیه (۴) پرداخته است. در پایان نیز نتایج بحث بر اساس مفاهیم نظری پژوهش بیان شده است.

پیشینه پژوهش

در عصر حاضر نظریه انسجام با تعاریف دقیق و ابزارهایی که برای تحلیل ارائه می‌کند، چارچوبی کارآمد برای بررسی انسجام در متون مختلف را فراهم ساخته است. این نظریه به‌تازگی به عرصه مطالعات ترجمه قرآن به زبان فارسی نیز راه یافته و مقالاتی همچون «مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده» از معصومه نعمتی قزوینی و طاهره ایشانی، «نقدی بر ترجمه سوره بینه از طاهره صفارزاده بر اساس الگوی انسجام» از معصومه نعمتی قزوینی و نیز «ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل بر اساس نظریه هالیدی و حسن» از امرائی و همکاران را به دنبال داشته است. در حوزه بررسی انسجام و پیوستگی در متن نهج البلاغه نیز مقالات متعددی به صورت موضوعی و خاص ارائه شده است که همگی بر پایه نظریه انسجام متن هالیدی و حسن (۱۹۷۶) انجام گرفته‌اند؛ از جمله: ۱. کارکرد ادات ربطی در انسجام‌بخشی به خطبه‌های نهج البلاغه (نظری، ۱۳۹۲). ۲. بررسی نقش عامل تکرار در انسجام‌بخشی به خطبه‌های نهج البلاغه بر اساس الگوی انسجام هالیدی و حسن (پروینی و نظری، ۱۳۹۳). ۳. بررسی تطبیقی «ارجاع» به عنوان یکی از عوامل انسجام متنی در نهج البلاغه (صدیقی و ستایش‌مهر، ۱۳۹۴). ۴. هم‌آیی واژگانی و نقش آن در انسجام خطبه‌های نهج البلاغه (آلبویه لنگرودی و نظری، ۱۳۹۱).

مقاله حاضر در امتداد این پیشینه، در اقدامی جدید کیفیت انسجام در متن خطبه شقشقیه از امام علی علیه السلام را بر اساس نسخه تکامل یافته از نظریه نظام‌مند هالیدی و

حسن (۱۹۸۵م) و نیز مفهوم هماهنگی انسجامی که رقیه حسن در سال ۱۹۸۴ میلادی مطرح نمود، بررسی خواهد کرد.

شایان توجه است که غالب آثار انجام یافته در حوزه انسجام در متن **نهج البلاغه** یا بر پایه نظریه انسجام متن هالییدی و حسن (۱۹۷۶م) انجام گرفته اند یا اینکه عمدتاً تک محوری و تک بُعدی بوده و تنها یکی از محورهای نظریه انسجام، مثلاً «ارجاع» یا «حذف» یا «جانمایی» و... را در متن **نهج البلاغه** بررسی کرده اند (ر.ک: پروینی و نظری، ۱۳۹۳/ لنگرودی و نظری، ۱۳۹۱ و...). بنابراین انتخاب موردی خطبه معروف شقیه و کاربری نظریه انسجام هالییدی (۱۹۸۵م) به طور کامل در این خطبه، رویکردی زبان شناختی و نو به خطبه های **نهج البلاغه** بوده و از بارزترین امتیازات این مقاله نسبت به آثار پیشین تلقی می گردد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

بررسی و مطالعه نظریه انسجام و کاربری آن در قرآن کریم و دیگر متون دینی مقدس همانند **نهج البلاغه** که به تعبیر برخی «قرآن ثانی» نیز نامیده می شود، اهمیت بسزایی دارد؛ چراکه این متون دینی و مذهبی همواره در معرض حمله مخالفان اسلام قرار داشته، آنان به هر ابزار و بهانه ای در صددند میزان محبوبیت این تعالیم دینی و مذهبی را در میان مسلمانان و نیز دیگر ادیان جهان کم رنگ و دارای خطا و اشتباه جلوه دهند؛ تا جایی که در مطالعات قرآنی غربیان و مستشرقان در دهه های اخیر به مناسبت های مختلف مسئله عدم انسجام و بی نظمی در قرآن مطرح شده است؛ برای نمونه قرآن پژوه غربی توماس کارلایل صریحاً قرآن را «متنی دشوار... مجموعه ای درهم، مبهم، ملال آور، بی ظرافت و ابتدایی می داند» (العوی، ۱۳۹۰، ص ۵۳). خاورشناس انگلیسی مونگومری وات با اندکی ملاحظه خاطر نشان می سازد که ترکیب بندی قرآن «بی نظم» است و هیچ گونه «سامان مشخصی» ندارد (همان، ص ۵۳). ونزوبرو نیز قرآن را فاقد هرگونه نظم و ترتیب منطقی می داند و سبب نزول تدریجی قرآن را مواردی همچون بی سوادی پیامبر اکرم ﷺ و نیاز او به زمانی برای «سوادآموزی» ذکر می کند (خوش منش، ۱۳۸۹، ص ۳۸). رژی بلاشر (۱۹۰۰م) هم در این باب قلم زده، از روش درهم و ناپیوسته قرآن و تکرارهای خسته کننده آن برای خواننده اروپایی ترجمه های قرآن سخن می گوید (بلاشر، ۱۳۷۸، ص ۳۰۱). نظریات

دیگری هم هستند که مجال بحث تمام آنها در این پژوهش وجود ندارد. در همین باره قابل ملاحظه است که مفسران و قرآن‌پژوهان معاصر نیز در پاسخ به شبهات و اشکالات تراشی‌های خاورشناسان مبنی بر گسستگی و عدم انسجام متن قرآن کریم، بیش از پیش به این موضوع پرداخته‌اند که شایسته تقدیر و توجه است.

مسئله انسجام در **نهج البلاغه** نیز می‌تواند از مسائل قابل اعتنا باشد. **نهج البلاغه** به عنوان یک متن دینی و اثرگذار، علاوه بر بعد غنی دینی و عرفانی آن یک اثر جاویدان ادبی و بلاغی است که بحق می‌بایست در جنبه‌های مختلف زبانی بررسی شود. گرچه این توجه با نگاهی به کتاب‌شناسی **نهج البلاغه** قابل ستایش است، رویکردهای نوین زبان‌شناختی کمتر مورد توجه بوده است؛ به‌ویژه در خصوص انسجام اصولاً تحقیقی صورت نگرفته است.

از میان عوامل متن‌وارگی که زبان‌شناسان حوزه متن آنها را مطرح کرده‌اند، دو عامل انسجام و پیوستگی اهمیتی خاص دارند و در واقع دو سطح روستخت و ژرف‌ساخت متن را نشان می‌دهند. انسجام را در هر کلام یا نوشتاری می‌توان یافت که متن به شمار می‌رود؛ به عبارتی هرچه نام متن بر آن اطلاق شود، قاعدتاً باید از عوامل و عناصر انسجام‌بخش برخوردار باشد؛ گرچه هر متنی با توجه به زبان، نوع، دوره تاریخی و سبک خاص گوینده یا نویسنده‌اش ممکن است به لحاظ برخورداری از عوامل انسجامی با متن‌های دیگر متفاوت باشد. متن **نهج البلاغه** نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ بنابراین به عنوان یک متن می‌توان عوامل پدیدآورنده انسجام را در آن ملاحظه کرد و کارکردهای خاص آن را نشان داد. پیش از این **نهج البلاغه** معمولاً از نگاه سنتی و با تکیه بر مفاهیم موجود در کتاب‌های بلاغی بررسی شده است؛ ولی تحلیل این کتاب از منظر زبان‌شناختی، بسیار اندک است و در حوزه انسجام نیز تقریباً تحقیقی درباره **نهج البلاغه** انجام نشده است. در این مقاله کوشیده‌ایم این خلأ مشهود در پژوهش‌های **نهج البلاغه** را پر کنیم و از این روی با بررسی و کاربست انسجام در خطبه حماسی «شش‌شقیه» از این کتاب که بیشترین مؤلفه‌های ساختاری را برای تحلیل انسجام دارا است و از موضوعات مستقلی تشکیل یافته است، به تصویری کامل از انسجام متن این خطبه به‌طور دقیق دست یافته‌ایم. در ادامه با ارائه جدول‌ها و نمودارها انسجام این خطبه، میزان آن و نیز

نسبت عناصر انسجام و اختلاف آنها در انسجام متن خطبه شقشقیه تحلیل و نشان داده شده است.

پژوهش حاضر، به دنبال ارائه الگویی عملی و معین برای اندازه‌گیری و تعیین میزان انسجام و نسبت عناصر انسجام‌بخش در متن خطبه «شقشقیه» است. در این مقاله به سه دلیل عمده، خطبه «شقشقیه» از **نهج البلاغه** برای موضوع پژوهش انتخاب شده است: اولاً این خطبه از منظر دینی و تاریخی روایتگر موضوعات و مسائل مهمی در تاریخ تشیع بوده و حائز اهمیتی خاص برای شیعیان است. ثانیاً این خطبه علی‌رغم حجم اندک، از موضوعات متنوعی سخن گفته است؛ لذا نظر به همین حجم اندک و تنوع موضوعات، کیفیت انسجام در این خطبه می‌تواند مسئله‌ی یک پژوهش علمی قرار گیرد. ثالثاً این خطبه در شدیدترین و نامتعادل‌ترین شرایط روحی امام علی علیه السلام و در هنگام خشم و غضب آن حضرت نسبت به مغتصبان خلافت سروده شده و این موضوع احتمال دارد که برای مخاطب ایجاد تشکیک و تردید نماید که آیا خطبه شقشقیه انسجام متنی دارد.

الف) ادبیات و مبانی نظری پژوهش

هالیدی رویکرد خود را نقش‌گرایی می‌خواند؛ زیرا معتقد است آرای او نسبت به زبان، بیشتر متکی بر نقش عناصر زبانی است تا صورت آنها. در همین راستا در این بخش به انواع ابزارهای انسجام‌بخش از دیدگاه هالیدی و حسن پرداخته می‌شود:

۱. ابزارهای انسجام (Cohesion devices)

هالیدی و حسن عوامل انسجام متن را ابتدا به سه گروه کلی انسجام دستوری، انسجام واژگانی و انسجام پیوندی (ربطی) تقسیم می‌کنند، به این ترتیب:



۱-۱. عوامل دستوری (Grammatical elements)

۱-۱-۱. ارجاع (REFERENCE)

منظور از ارجاع، کاربرد انواع مختلف ضمایر، اسم‌های موصول، اشاره و... در متن است که باعث انسجام متنی آنها می‌گردد. ارجاع یا پیش از مرجع می‌آید که به آن ارجاع پیش‌مرجع می‌گویند و یا پس از مرجع می‌آید که به آن ارجاع پس‌مرجع می‌گویند (ر.ک: پاشازانوس و نبی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۸۶). برای نمونه در جمله «اکنون انگور را حدی است که او را سرما زیان دارد»، ضمیر «او» از نوع ارجاع به ما قبل است که به انگور بر می‌گردد.

۱-۱-۲. جایگزینی (SUBSTITUTION)

جایگزینی - یا جانشینی - به عملکرد یکی از عناصر متن اشاره دارد که به لحاظ معنایی، به جای یکی از عناصر قبلی در متن آمده است. مثال: «کتابی را که من می‌شناختم، آنی نبود که دست شما بود». در این جملات ضمیر اشاری «آن» به جای اسم «کتابی» نشسته و نقش آن را ایفا می‌کند (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۶، ص ۷۱).

۱-۱-۳. حذف (ELLIPSIS)

منظور از حذف، حذف یک یا چند عنصر جمله در مقام قیاس با عبارات و جملات قبلی می‌باشد (ر.ک: لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۸۵، ص ۳۲). حذف می‌تواند برای فعل، اسم و بند رخ دهد؛ برای نمونه «من معده را دو قسم کنم که نیمی نان است و نیمی آب»، در این جمله، فعل ربطی «است» به قرینه لفظی ما قبل حذف شده است.

۱-۲. عوامل واژگانی (lexical Elements)

۱-۲-۱. تکرار (REITERATION)

تکرار از دیگر عوامل انسجام متن به شمار می‌رود. از نظر روان‌شناختی تکرار یک مطلب در سخنرانی، اهمیت موضوع را نشان می‌دهد که سخنران خواهان انتقال آن به شنوندگان است؛ تکرار در قالب‌های گوناگونی مانند «ترادف»، «تضاد»، «شمول معنایی» و «رابطه جزء و کل» رخ می‌دهد (پاشازانوس و نبی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۵۳) که در زیر بدان‌ها پرداخته می‌شود:

۱-۲-۱-۲. همایش (COLLECTION)

همایش عبارت است از هم‌آیی یا ارتباط بین کلماتی که به یک حوزه معنایی تعلق دارند. وجود این گونه ارتباط معنایی بین کلماتی که با هم در یک متن واقع می‌شوند، منجر به پیدایش ارتباط بین جمله‌های آن متن می‌شود (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸). مثلاً وجود کلماتی همانند مال، زر، سیم، ملک، منجر به یک ماتریس

ساختاری و نوعی انسجام واژگانی برای «ثروت» می‌گردد.

۲. گره (Tie)

آنچه مفهوم انسجام را در جمله مستقر می‌کند، «گره» نامیده می‌شود. گره عنصری از یک جمله را به عنصری در جمله‌ای دیگر مرتبط می‌کند. هالییدی و حسن بر اهمیت «گره» - و به عبارتی «دوتابودن و باهم آمدن یک جفت عنصر که از نظر انسجامی به هم مربوطند» - بسیار تأکید کرده‌اند. به عبارت دیگر «گره عبارت است از باهم آوردن و جفت کردن عناصر گزینشی یک متن» (امرائی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۲۵). بر اساس نظر رقیه حسن (۱۹۸۵، ص ۷۴-۷۵)، این گره‌ها به سه صورت و بر اساس یک رابطه معنایی، در متن دیده می‌شوند:

الف) هم‌مرجع بودن (Co-references): در این حالت گره‌ها بیشتر با عناصر ارجاعی شناخته می‌شوند.

ب) هم‌طبقه‌بودن (Co-Classification): در این حالت گره‌ها در مقوله جایگزینی و حذف قرار می‌گیرند.

ج) هم‌گستر بودن (Co-extensions): عناصر واژگانی بیشتر در این نوع قرار می‌گیرند.

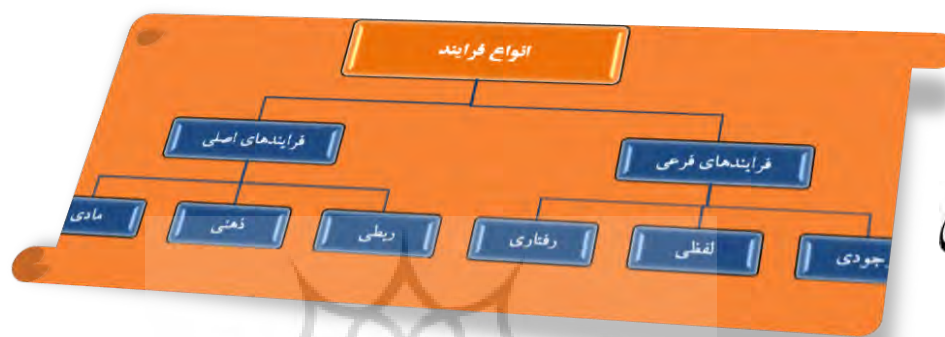
۳. فرایندها (Processes)

۱۸۳

دهن

واکاری عوامل انسجام در خطبه شقیه امام علی با اتکا به الگوی هالییدی و حسن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



به لحاظ معنایشان در شش گروه دسته‌بندی می‌شوند و به تناسب معانی‌شان مشارکان ویژه‌ای را به خود می‌پذیرند. فرایندها به دو دسته کلی «فرایندهای اصلی» و «فرایندهای فرعی» تقسیم می‌شوند که هر یک سه فرایند را پوشش می‌دهند. در حوزه گذرایی فعل، هالیدی سه نوع فرایند اصلی را با نام‌های «مادی»، «ذهنی» و «ربطی» و سه نوع فرایند فرعی به نام‌های «رفتاری»، «لفظی» و «وجودی» معرفی می‌کند (همان، ص ۱۲۷):

۳-۱. فرایندهای اصلی (The main processes)

۳-۱-۱. فرایند مادی (PHYSICAL PROCESS)

این فرایند به فعالیت‌های کنشی‌ای مربوط است که بر انجام‌دادن کاری فیزیکی دلالت می‌کند؛ مانند خوردن، گرفتن و... در این نوع فرایند ممکن است یک شرکت‌کننده (مشارک) اصلی با عنوان کنشگر داشته باشیم، مانند «من خواهم آمد» که «من» در این جمله «کنشگر» محسوب می‌شود و یا اینکه ممکن است دو شرکت‌کننده داشته باشیم، مانند من چراغ‌ها را خاموش می‌کنم که در این جمله «من» کنشگر است و چراغ‌ها «هدف» (ایشانی و قزوینی، ۱۳۹۲، ص ۸۲).

۳-۱-۲. فرایند ذهنی (MENTAL PROCESS)

این فرایند در اصل به امور ذهنی، حسی و فکری مربوط است، مانند دوست داشتن،

فکر کردن، خوشایند بودن و... شرکت کننده‌ای که در این فرایند، فعالیت ذهنی و حسی و فکری انجام می‌دهد «حسگر» (مُدِرک) نامیده می‌شود و آنچه در این فرایند احساس و ادراک می‌شود «پدیده» نام دارد؛ برای مثال «من راز فصل‌ها را می‌دانم و حرف لحظه‌ها را می‌فهمم». در اینجا «من» حسگر (مُدِرک) است و «راز فصل‌ها» و «حرف لحظه‌ها» پدیده‌های بند هستند (پهلوان نژاد و زمردیان، ۱۳۸۳، ص ۶۳).

۳-۱-۳. فرایند ربطی (RELATED PROCESS)

این فرایند «با فعل‌های "شدن"، "داشتن"، "به نظر رسیدن"، "بودن" و... در ارتباط است. شرکت کننده‌ای که این نوع فرایند را انجام می‌دهد، "حامل" نامیده می‌شود و آنچه "اسناد" داده می‌شود، ممکن است صفت باشد» (ایشانی و قزوینی، ۱۳۹۲، ص ۸۴)، مانند «غمگین» در جمله «من غمگین هستم» و یا «یکسانی» مانند «عشق» در جمله «خدا عشق است» و یا ممکن است مالکیت باشد، مانند «مدادهای زیادی» در جمله «من مدادهای زیادی ندارم» (همان).

۳-۲. فرایندهای فرعی (Sub-processes)

۳-۲-۱. فرایند رفتاری (BEHAVIORAL PROCESSES)

این فرایند در اصل حدّ وسط فرایندهای فکری و جسمانی است و رفتارهایی نظیر «تنفس کردن، آه کشیدن، لبخند زدن، گریه کردن و...» را در بر می‌گیرد. در این نوع فرایند، فقط ک شرکت کننده با نام «رفتارگر» وجود دارد؛ برای مثال در جمله «او آه کشید» و «او رفتارگر» و «آه کشید، فرایند رفتاری» محسوب می‌شود (ایشانی و قزوینی، ۱۳۹۲، ص ۸۴).

۳-۲-۲. فرایند لفظی (کلامی) (VERBAL PROCESS)

«فرایندی است با فعل‌هایی که همه از نوع «گفتن» اند و بیشتر در بندهای مرکب ظاهر می‌شوند، مانند «نشان دادن»، «یادآوری کردن» و «فرمودن» «اعلان کردن»، «فریاد زدن». مشارکان این فرایند، عبارت‌اند از: «گوینده»، آن که چیزی می‌گوید و «مخاطب»، آن که خطاب به او چیزی گفته می‌شود و «گفته»، آن چیزی که گفته می‌شود» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶، ص ۴۵-۴۶). مثال «کتاب راهنما جزئیات کار دستگاه را برای شما توضیح می‌دهد». «کتاب راهنما» گوینده بند، «جزئیات کار دستگاه» گفته، و «شما» مخاطب بند هستند.

۳-۲-۳. فرایند وجودی (EXISTENTIAL PROCESS)

از موجودیت یا هستی پدیده‌ای - یا عدم آن - سخن می‌گوید. معمولاً فعل «بودن» در

این فرایند بیشترین کاربرد را دارد. مشارک این فرایند را که از هستی - یا نیستی - آن سخن می‌رود، «موجود» نامیده می‌شود. مثلاً «او در خانه بود». در این جمله «او» موجود و «خانه» عنصر محیطی و «بود» فرایند وجودی است (ر.ک: هالیدی، ۱۹۸۵، ص ۱۳۰).

ب) روش تحلیل انسجام و هماهنگی انسجامی در متن

برای نشان دادن انسجام در یک متن، انجام مراحل زیر به ترتیب لازم است:

۱. ابتدا متن را به جمله‌های ساده تقسیم می‌کنیم. ۲. سپس واژه‌ها و عبارتهای موجود در هر جمله ساده را بدون در نظر گرفتن حروف ربط، اضافه و... به صورت جداگانه می‌نویسیم. این کار در محاسبه کل نمونه‌ها به ما کمک می‌کند. ۳. از میان واژگان نوشته شده (کل نمونه‌های شناسایی شده در این پژوهش) عوامل انسجام واژگانی و دستوری موجود در متن را با شناسایی می‌نماییم. ۴. در مرحله بعدی این عوامل را در زنجیره‌هایی با عناوین یکسانی و شباهت قرار می‌دهیم و نمونه‌های شرکت‌کننده در این زنجیره‌ها (نمونه‌های مرتبط) را محاسبه می‌کنیم. ۵. مرحله بعدی محاسبه درجه انسجام متن است (محاسبه درصد نمونه‌های مرتبط نسبت به کل نمونه‌ها).

ج) تطبیق الگوی انسجام در خطبه شفشقیه

در این بخش از پژوهش با تکیه بر الگوی انسجام هالیدی و حسن (۱۹۸۵م)، ابتدا مبحث انسجام و ابزارهای آن، در خطبه شفشقیه بررسی شده، سپس میزان انسجام متن به طور آماری و نموداری مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است:

۱. تحلیل عوامل انسجام در متن خطبه شفشقیه

در این بخش ابتدا متن خطبه شفشقیه به جمله‌هایی ساده تقسیم شده، سپس واژگانی را که به طور مستقیم یا غیرمستقیم* در متن جمله‌ها هستند، صرف نظر از حروف ربط، اضافه و... به طور جداگانه نوشته شده است. پس از تقسیم متن خطبه به جمله‌هایی ساده و جدانویسی کلمه‌های هر جمله، آنها را بسته به اینکه جزء کدام یک از عوامل انسجام‌اند و چه نوع ارتباطی با همدیگر دارند، در زنجیره مربوط بدان‌ها قرار داده شده‌اند. تمام این عوامل در جدول شماره ۲ به مخاطب نشان داده

* یعنی عناصر محذوف در کلام هم برگردانده می‌شود.

شده است.

بر اساس این جدول، تعداد کل نمونه‌های خطبه ششقیه ۱۴۷ مورد است که به صورت ستونی و عمودی با یکدیگر ارتباط دارند. در سمت راست جدول به ترتیب شماره جمله‌های مأخوذ از متن خطبه مشخص شده، سپس واژگان مربوط به هر جمله به گونه افقی و جداگانه در زیر هم نوشته شده است. این موضوع سبب می‌گردد رابطه کلمه‌های هر جمله با واژه‌های جمله‌های دیگری- که در ردیف‌های افقی بعدی خواهند آمد- کاملاً مشخص شده و زیر همان واژه در یک ستون عمودی قرار گیرد. تمامی واژگان تفکیک شده به همین شکل در جدول مربوطه قرار داده شده‌اند. این کلمه‌ها همان عوامل انسجامی واژگانی و دستوری هستند که در مرحله نهایی کار نیز جهت یافتن درصد پیوستگی متن مورد نیاز خواهند بود. (جدول شماره ۲) بررسی عوامل انسجامی واژگانی و دستوری در خطبه ششقیه

۱۸۷

ذهن

واکاری عوامل انسجام در خطبه ششقیه امام علی با اتکا به الگوی هالیدی و حسن

ردیف	لفظی و کلامی		مادی	ذهنی	ربطی
	الف	ب			
۱	(أقسم) الله		أنا		
۲	ها (الخلا فة)	فُلَانٌ تَقْص			
۳	ها (الخلا فة)	هـ (فَلَانٌ)	يعلم	محلي	
۴			قطب الرحي		(يكون)
۵			عني ينحدر (امام علي)	السييل	
۶			إبي (امام علي)	الطير	ر
۷	ها (الخلا فة)	سَدَلْتُ دونها ثوباً (امام علي)	ث		
۸	ها (الخلا فة)	طويبتُ عنها كشحاً			

				بید جذاء	طَفَّقْتُ أَرْتَأِي	أَنْ أَصُولُ (أنا)				٩
				طَخِيَّةٌ عَمِيَاءُ	أَصْبَرُ عَلَى	(أنا)				١٠
			الكبير	(طَخِيَّةٌ عَمِيَاءُ)	يَهْرَمُ فِيهَا					١١
			الصغير ر	(طَخِيَّةٌ عَمِيَاءُ)	يَشِيبُ فِيهَا					١٢
مؤمن				(طَخِيَّةٌ عَمِيَاءُ)	يَكْدُخُ فِيهَا			لقاء رئته		١٣
			الصبر		رَأَيْتُ أَحْجَى عَلَى هَاتَا	(أنا)				١٤
					صَبِرْتُ	(أنا)				١٥
				(كَانَ)		وَفِي الْعَيْنِ قَدَى				١٦
				(كَانَ)	الْخَلْقِ شَجَا					١٧
				تُرَايِي تَهْبَأُ	أَرَى	(أنا)				١٨
					مَضَى لِسَيْبِلِهِ	الأول (أبو بكر)				١٩
				ابن الخطأ ب	فَأَذَى بِهَا بَعْدَهُ	هـ (أبو بكر)	بها (الخلا فة)			٢٠
					يَا عَجِباً	(أنا)				٢١
					يَسْتَقْبِلُهَا فِي حَيَاتِهِ	هـ (أبو بكر)	ها (الخلا فة)			٢٢
				لآخر بعد وفاته (عمر)	عَقَدَهَا		ها (الخلا فة)			٢٣
						لَسَدَمًا تَشْطُرًا	صَرَغِيهَا			٢٤
				خَوْزَةٌ خَشْنَاءُ،		(هو) أَبُو بَكْرٍ فَصَّرَهَا	ها (الخلا فة)			٢٥

									ها			۲۶
									(الخلا فة)	يُغَلِّظُ	كَلِمَتِهَا	
									ها	يُخَشِنُ	مَسُّهَا	۲۷
									(الخلا فة)	يَكْثُرُ فِيهَا	أَعْيَازُ	الإعْيَازُ
									فَصَاحِبُهَا	رَاكِبِ الصَّعْبَةِ	(كان)	۲۹
									ها	إِنْ أَشَقَّ لَهَا حَرَمٌ	(راكِبِ الصَّعْبَةِ)	۳۰
									ها	وَ إِنْ أَسْلَسَ لَهَا تَفْحَمٌ	(راكِبِ الصَّعْبَةِ)	۳۱
									لَعَنَ اللّٰهَ	فَمَنِي النَّاسِ بِ...	خَيْطٌ، شِمَاسٌ، تَلَوْنٌ، اغْتِرَاضٌ	۳۲
										صَبْرَتْ عَلَى	طَوِيلُ الْمُدَّةِ	۳۳
										(صَبْرَتْ عَلَى)	شِدَّةُ الْمِخْتَةِ.	۳۴
										إِذَا مَضَى لِسَبِيلِهِ	هُوَ (عَمَرَ)	۳۵
									ها	جَعَلَهَا فِي جَمَاعَةٍ		۳۶
										أَنَا (أَنَا) (أَتَعْجَبُ)	هُمْ (الرَّاشِدِينَ) الشُّورَى	۳۷
									الله	أَنَا الرَّيْبُ	هُم (الشُّورَى)	۳۸
									الأوَّلُ	أَنَا	سِ	۳۹
										حَتَّى صَبْرَتْ أَفْرَنْ	هَذِهِ النُّطَاطِرُ!؟	۴۰
										أَنَا إِذْ أَسْفَقُوا	ضَمِيرُ وَإِ (الشُّورَى)	۴۱

ضمیر مفعولی «ها» در جمله شماره ۲ یعنی در جمله «تَقَمَّصَهَا» به اسم محذوف «خلافت» که سیاق کلام نیز بر آن دلالت دارد، بر می‌گردد؛ لذا زیرمجموعه عامل دستوری ارجاع است. همچنین عبارت «محلی» در جمله شماره ۳ با عبارت «قطب الریحی» در جمله شماره ۴ برابر است و زیرمجموعه عامل انسجامی برابری به شمار می‌رود.

در جمله‌های شماره ۱۴ و ۳۴ فعل ماضی «صبرت» تکرار گردیده، عبارت «مضی لسیله» در جمله شماره ۱۹ مجدداً در جمله شماره ۳۵ عیناً تکرار گردیده است؛ لذا کنار هم و در یک ستون عمودی قرار گرفته‌اند.

در جمله‌های شماره ۱۳ کلمه «لقاء رب» در زیر ستون «الله» در جدول شماره ۱ نوشته شده و با آن در یک ستون عمودی قرار گرفته است؛ چراکه این دو واژه با یکدیگر رابطه هم‌معنایی دارند. همچنین فعل‌های «تَقَمَّص» (۱) «ینحدر» (۵) «لا یرقی» (۶) «سدلت علیها ثوباً» (۷) «طویت کشحاً» (۸) و... از دیدگاه زبان‌شناسی نقش‌گرا دارای فرایند لفظی و کلامی هستند و زیرمجموعه عامل واژگانی جزء و کل قرار می‌گیرند. افعال مذکور از «دیدگاه زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا، از یک فرایند یعنی فرایند لفظی یا کلامی به شمار می‌روند و در نتیجه نوع ارتباط آنها با یکدیگر جزء و کل به شمار می‌رود» (سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۳).

جمله شماره ۷ از آیه شماره ۴: «لَعمرُ الله» نیز در اصل به صورت «لَعمرُ الله قَسَمی» و یا «لَعمرُ الله قَسَمی» بوده که خبر مبتدا جوازا حذف شده است (الاصافی، ۱۴۱۸، ج ۳۰، ص ۳۶۶)؛ بنابراین در تحلیل انسجام متن باید خبر محذوف مبتدا بر-گردد و در کنار دیگر نمونه‌ها برای تعیین میزان انسجام محاسبه شود.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، واژه «مؤمن» در جمله شماره ۱۳ در یک ستون جداگانه قرار گرفته است؛ چراکه مرادف و هم‌زنجیره‌ای در کلام ندارد و نتوانسته است با کلمه‌ای دیگر در جدول ارتباط معنایی برقرار نماید.

روند کار بر همین منوال ادامه پیدا می‌کند تا جایی که تمامی واژگان خطبه در جدول قرار گیرند. پس از تکمیل جدول، از میان همین واژگان، نمونه‌های مرتبط (دارای هم‌زنجیره) و نمونه‌های جنبی (بی‌هم‌زنجیره) مشخص شده، سپس میزان انسجام متن محاسبه می‌گردد.

برای اینکه مخاطب با روابط انسجامی حاکم بر جدول شماره ۲ تعامل بهتری برقرار کند، در جدول شماره ۳ که در زیر آمده، عوامل انسجامی به همراه زیرمجموعه‌هایشان مشخص شده‌اند تا نوع رابطه آنها به صورت دقیق‌تری بیان گردد؛ برای نمونه در جدول شماره ۳ ضمیر «او» در جمله (طاروا) شماره ۴۲ به «الشوری» در جمله شماره ۳۸ اشاره دارد و زیرمجموعه ارجاع به ما قبل به‌شمار می‌آید و یا ضمیر «هو» که در فعل ماضی «جَعَلَهَا» در جمله شماره ۳۶ مستتر است، به ضمیر «ه» در «سبيله» و مرجع محذوف آن، یعنی اسم «عمر» برمی‌گردد؛ بنابراین زیرمجموعه عامل حذف قرار می‌گیرد. یا واژه «الْأَوَّلُ» نیز که در جملات ۱۹ و ۳۹ تکرار گردیده است، زیرمجموعه عامل تکرار قرار می‌گیرد. یا اینکه کلمات «ثالثُ الْقَوْمِ» در جمله ۴۵ و «الشوری» در جمله شماره ۳۸ با یکدیگر رابطه جزء و کل داشته و زیرمجموعه عامل جزء و کل قرار گرفته‌اند. کلمات «الصغیر» در جمله ۱۲ و «الکبیر» در جمله ۱۱ با یکدیگر نسبت و رابطه تضاد داشته، و لذا زیرمجموعه عامل واژگانی تضاد قرار می‌گیرند.

شایان توجه است که همان‌گونه که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود، در این پژوهش برای عنصر واژگانی «نام‌گذاری» در متن خطبه شقشقیه نمونه‌ای یافت نشده است.

جدول شماره ۳ روابط عوامل انسجام دستوری و واژگانی در متن خطبه شقشقیه

عوامل انسجام دستوری	ارجاع
ه در تَمَصَّصِهَا (۱۱) خلافت محذوف/ ی در مَحَلِّي (۳) امام علی <small>عليه السلام</small> محذوف/ ها در مِنْهَا (۳) خلافت محذوف (۳) ی در يَنْحَدِرَعَتِي (۵) امام علی <small>عليه السلام</small> / ی در لَا يَرْفَعِي إِلَيَّ (۶) امام علی <small>عليه السلام</small> محذوف/ ی در فَسَدْتُ (۷) امام علی (ع) محذوف/ ها در دُونَهَا (۷) خلافت محذوف/ ت در طَوَيْتُ (۸) امام علی <small>عليه السلام</small> / ها در طَوَيْتُ عَنْهَا كَسْحًا (۸) خلافت محذوف/ ت در طَفَقْتُ (۹) امام علی <small>عليه السلام</small> / ها در يَهْرُمُ فِيهَا (۱۱) خلافت محذوف/ ها در يَشِيْبُ فِيهَا (۱۲) خلافت محذوف/ ها در يَكْدَحُ فِيهَا (۱۳) خلافت/ ضمير مستتر هو در حَتَّى يَلْقَى (۱۳) مُؤْمِنٌ (۱۳) / ضمير بارز ه در رَبِّهِ (۱۳) مُؤْمِنٌ (۱۳) / ت در رَأَيْتُ (۱۴) امام علی <small>عليه السلام</small> / ضمير هو در أَحْجَى (۱۴) الصَّبْرَ (۱۴) / ت در صَبْرَتُ (۱۵) امام علی <small>عليه السلام</small> / ی در تَرَاتِي (۱۸) امام علی <small>عليه السلام</small> / ضمير مستتر هو در مَضَى (۱۹) ابوبکر محذوف در سياق کلام/ ه در لِسَبِيلِهِ (۱۹) ابوبکر محذوف/ ضمير مستتر هو در قَادِلِي بِهَا (۱۹) ابوبکر/ ها در قَادِلِي بِهَا (۲۰) خلافت/ ضمير ه در بَعْدَهُ (۲۰) ابوبکر/ هو در يَسْتَقْبِلُهَا (۲۲) ابوبکر/ ها در يَسْتَقْبِلُهَا (۲۲) خلافت/ ه در حَيَاتِهِ (۲۲) ابوبکر/ ضمير مستتر هو در عَقْدَهَا (۲۳) ابوبکر/ ها در عَقْدَهَا (۲۲) خلافت/ ضمير ه در وَفَاتِهِ (۲۳) ابوبکر/ ضمير الف مثنى در تَشَطَّرًا (۲۴) ابوبکر و عمر/ ها در ضَرَعِيهَا (۲۴) شتر خلافت (خلافت به شتر تشبيه شده است) / ضمير مستتر هو در صَبْرَهَا (۲۵) ابوبکر/ ضمير ها در صَبْرَهَا (۲۵) خلافت/ ها در يَغْلُظُ كَلْمَهَا (۲۶) خلافت/ ها در	

<p>يُخَشِنُ مَسَهَا (۲۷) خلافت/ها در يَكْتُرُ الْعَثَارُ فِيهَا (۲۸) خلافت/ها در الْأَعْتَادُ مِنْهَا (۲۸) خلافت/ها در صَاحِبِهَا (۲۹) خلافت/ها در أَشْتَقَ لَهَا (۳۰) خلافت/ها در أَسْلَسَ لَهَا (۳۰) خلافت/ت در صَبْرَتُ (۳۳) امام علی/ضمير مستتر هو در مَضَى (۳۵) عمر/ضمير ه در لَسْبِيلِهِ (۳۶) عمر/ضمير مستتر هو در جَعَلَهَا (۳۶) عمر/ضمير ه در جَعَلَهَا (۳۶) خلافت/ضمير مستتر هو در زَعَمَ (۳۷) عمر/ضمير ی در آتَى أَحَدَهُمْ (۳۷) امام علی/ضمير هم در آتَى أَحَدَهُمْ (۳۷) الجماعة (۳۶) /ضمير ی در فِی (۳۹) امام علی/ضمير هم در الْأَوَّلِ مِنْهُمْ (۳۹) الشُّورَى (۳۸) /ت در صِرْتُ (۴۰) امام علی/ضمير مستتر أنا در أقرنُ (۴۰) امام علی/ضمير ی در لَكِنِّي أَسْفَقْتُ (۴۱) امام علی/ضمير واو در أَسْفَقُوا (۴۱) هَذِهِ النُّظَائِرُ (۴۰) /ضمير ت در طَرِبْتُ (۴۲) امام علی/ضمير واو در طَارُوا (۴۲) هَذِهِ النُّظَائِرُ (۴۰) /ضمير هم در مِنْهُمْ (۴۳) هَذِهِ النُّظَائِرُ (۴۰) /ضمير ه در لَضَعْنَهُ (۴۳) هَذِهِ النُّظَائِرُ (۴۰) والجماعة (۳۶) /ه در لَصِيحِهِ (۴۴) هَذِهِ النُّظَائِرُ (۴۰) /ه در حِضْنِيهِ (۴۵) ثَالِثُ الْقَوْمِ (عثمان) (۴۵) /ه در نَيْلِهِ (۴۵) ثَالِثُ الْقَوْمِ (۴۵) /ه در مُعْتَلِفِهِ (۴۵) ثَالِثُ الْقَوْمِ (۴۵) /ه در قَامَ مَعَهُ (۴۶) ثَالِثُ الْقَوْمِ (۴۵) /ه در يَتَوَابَعِهِ (۴۶) عثمان (۴۵) /ه در أَنْكَبْتُ فُتْلُهُ (۴۸) عثمان (۴۵) /ه در عَلَيهِ (۴۹) عثمان (۴۵) /ه در عَمَلَهُ (۴۹) عثمان (۴۵) /ه در عَلَيهِ (۴۹) عثمان (۴۵) /ه در كَبَّتْ بِهِ (۵۰) عثمان (۴۵) /ه در بَطَلْتُهُ (۵۰) عثمان (۴۵)</p>							
<p>فُلَانُ (۲) ابن أبي قحافة* /أنا در أَرْتَأَى (۹) /أنا در أَنْ أَصُولُ (۹) /أنا در أَصْبِرَ (۹) /أنا در أَرَى (۱۸) /أنا در أَفْرَنُ (۴۰) /هو مستتر در يعلم (۳) /هو در صَبْرَهَا (۲۵) /هو مستتر در أَحْجَى (۱۴) /أنا در فَيَا عَجِبًا (۲۱) /هو در قَادِلِي بِهَا (۲۰) /هو مستتر در عَقْدَهَا (۲۳) /هو در أَشْتَقَ (۳۰) /هو در خَرَمَ (۳۰) /هو در أَسْلَسَ (۳۱) /هو در تَقَعَمَ (۳۱) /هو در مَضَى (۳۵) /هو در جَعَلَهَا (۳۶) /هو در زَعَمَ (۳۷) /قَسَمِي يَا أَقْسِمُ در لَعَمْرُ اللَّهِ (۳۲) /حرف يا در فَيَا عَجِبًا (۲۱) و نَبِزَ فَيَالَهُ (۳۸) /جانشين فعل ندا محذوف به تقدير (أنادي) /الأول (۱۹) ابوبكر /لَاخِرَ بَعْدَهُ (۲۳) عمر /ثَالِثُ الْقَوْمِ (۴۵) عثمان /أقسِم (۱) /هاتا (۱۴) أَنْ أَصُولُ بِنِدِّ جَلَاءَ، أَوْ أَصْبِرَ عَلَي طِخْيَةِ عَمِيَاءَ /كان در (۱۷، ۱۶ و ۲۹) /يكون در (۴) /صبرت علي (۳۴)</p>	<p>جانشینی و حذف</p>						
<p>الله (۱، ۳۲، ۳۸، ۴۶) /قام (۴۵ و ۴۶) /محلی (۳ و ۴) /مَضَى لَسْبِيلِهِ (۱۹ و ۳۵) /تکرار ضمير ت (امام علی) (۷، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۳۳، ۴۰، ۴۱ و ۴۲) /تکرار ضمير ه (خلافت) (۳، ۲، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۶) /ضمير ی (امام علی) (۳، ۳، ۶، ۷، ۳۷، ۴۱) /ضمير ه (۳، ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۳۵، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۴۹، ۵۰، ۵۰) /الصبر (۱۴) صبرت ۱۵، صبرت علي (۳۲) /أَسْفَقْتُ (۴۱) أَسْفَقُوا (۴۱) /طَرِبْتُ (۴۲) طَارُوا (۴۲)</p>	<p>تکرار</p>						
<table border="1"> <tr> <td data-bbox="344 1352 522 1543">هم‌معنایی</td> <td data-bbox="522 1352 771 1543">رَبِّهِ (۱۳) /الله (۱، ۳۲، ۳۸ و ۴۶)</td> <td data-bbox="771 1352 880 1543">لَعَمْرُ (۳۲) /أقسِم (۱)</td> <td data-bbox="880 1352 1042 1543">جماعه (۳۶) /هَذِهِ النُّظَائِرُ (۴۰) /الشُّورَى (۳۸)</td> <td data-bbox="1042 1352 1193 1543">مال (۴۶) /الله (۴۶) /نبتة الربيع (۴۷)</td> <td data-bbox="1193 1352 1310 1543">يَهْرَمُ (۱۱) /يشيب (۱۲)</td> </tr> </table>	هم‌معنایی	رَبِّهِ (۱۳) /الله (۱، ۳۲، ۳۸ و ۴۶)	لَعَمْرُ (۳۲) /أقسِم (۱)	جماعه (۳۶) /هَذِهِ النُّظَائِرُ (۴۰) /الشُّورَى (۳۸)	مال (۴۶) /الله (۴۶) /نبتة الربيع (۴۷)	يَهْرَمُ (۱۱) /يشيب (۱۲)	<p>عوامل انسجام واژگانی</p>
هم‌معنایی	رَبِّهِ (۱۳) /الله (۱، ۳۲، ۳۸ و ۴۶)	لَعَمْرُ (۳۲) /أقسِم (۱)	جماعه (۳۶) /هَذِهِ النُّظَائِرُ (۴۰) /الشُّورَى (۳۸)	مال (۴۶) /الله (۴۶) /نبتة الربيع (۴۷)	يَهْرَمُ (۱۱) /يشيب (۱۲)		
<table border="1"> <tr> <td data-bbox="344 1543 522 1694">تضاد معنایی</td> <td data-bbox="522 1543 771 1694">الكبير (۱۱) /الصغير (۱۲)</td> <td data-bbox="771 1543 880 1694">الأول (۱۹) /الآخر (۲۳)</td> <td data-bbox="880 1543 1042 1694">حياة (۲۲) /وفاة (۲۳)</td> <td data-bbox="1042 1543 1193 1694"></td> <td data-bbox="1193 1543 1310 1694"></td> </tr> </table>	تضاد معنایی	الكبير (۱۱) /الصغير (۱۲)	الأول (۱۹) /الآخر (۲۳)	حياة (۲۲) /وفاة (۲۳)			
تضاد معنایی	الكبير (۱۱) /الصغير (۱۲)	الأول (۱۹) /الآخر (۲۳)	حياة (۲۲) /وفاة (۲۳)				

* در برخی نسخه‌ها به جای فُلَانُ، اِبْنُ أَبِي قُحَافَةَ آمده است

جزء و کل		ثالثُ الْقَوْمِ (۴۵) / الشُّورَى (۳۸) / الْأَخْرَجُ (۴۴) / الشُّورَى (۳۸) / الْأَوَّلُ (۳۹) / جَمَاعَةٌ (۳۶) / فَلَانٌ (۲) / هَذِهِ النَّظَائِرُ يَا شُورَى (۴۰) / خِلَافَةٌ (۲) / إِمَامٌ عَلَى (ع) (۵) / الصَّبْرُ (۱۴) / وَفَى الْعَيْنِ قَدَى (۱۶) / فِي الْحَلْقِ شَجَاً (۱۷) / يَخْضُمُونَ (۴۶) / خَضَمَ الْبَابِلَ (۴۷) / يَغْلُظُ (۲۶) / يَخْشَنُ (۲۷) / يَنْحَدِرُ (۵) / لَا يَرِقَى (۶) / تَقَمَّصَ (۲) / سَدَلْتُ دُونَهَا ثَوْباً (۷) / طَوَيْتُ عَنْهَا كَشْحاً (۸) / أَنْ أَسْأَلَ (۹) / لَشَدَّ مَا تَشَطَّرَا (۲۴) / يَكْتُرُ فِيهَا (۲۸) / كِرَاكِبِ الصَّعْبَةِ (۲۹) / إِنْ أَشْتَقَ لَهَا حَرَمَ (۳۰) / إِنْ أَسْلَسَ لَهَا تَفْحَمَ (۳۱) / حَتَّى صِرْتُ أَفْرَنْ (۴۰) / صَغَى رَجُلٌ مِنْهُمْ لَصِغْنِهِ (۴۳) / مَالٌ لَصِيغِهِ (۴۴) / قَامَ نَافِجاً حِضْنِيهِ بَيْنَ نَيْبِهِ وَمَعْتَلَفِهِ (۴۵) / أَنْتَكْتُ فِتْلَةً (۴۸) / أَجْهَزَ عَلَيْهِ عَمَلَهُ (۴۹) / كَبَّتْ بِهِ بَطْنَتَهُ (۵۰) / فَرَايَنْدِ مَادِي / يَعْلَمُ (۳) / طَفَّقْتُ أَرْتَأَى (۹) / أَصْبِرُ عَلَى (۱۰) / يَهْرَمُ فِيهَا (۱۱) / يَشِيبُ فِيهَا (۱۲) / يَكْدَحُ فِيهَا (۱۳) / رَأَيْتُ أَحَجِي (۱۴) / صَبِرْتُ (۱۵) / أَرَى (۱۸) / مَضَى لِسَبِيلِهِ (۱۹) / فَادَّلَى بِهَا بَعْدَهُ (۲۰) / يَا عَجَباً (۲۱) / يَسْتَقِيلُهَا فِي حَيَاتِهِ (۲۲) / عَقَدَهَا (۲۳) / صَبَّرْتُ عَلَى (۳۳) / إِذَا مَضَى لِسَبِيلِهِ (۳۵) / جَعَلَهَا فِي جَمَاعَةٍ (۳۶) / زَعَمَ (۳۷) / أَسْفَقْتُ إِذْ أَسْفَقُوا (۴۱) / طَرْتُ إِذْ طَارُوا (۴۲) / فَرَايَنْدِ ذَهْنِي / يَكُونُ (۴) / كَانَ (۱۶، ۱۷ و ۲۹) / فَرَايَنْدِ رَبَطِي					
بر	ابری	فلان (۲)	محلای (۳)	رَبَّهِ (۱۳)	يَخْضُمُونَ	بن	يَغْلُظُ
		بویکر	محل قطب	الله (۱)	مَالُ اللَّهِ	الخطاب	(۲۶)
		محدوف	الرحی (۴)	و ۳۸، ۳۲	(۴۶)	آخر (۲۰)	يَخْشَنُ
		در سیاق	(۴۶)	خضمة الابل	بعده (۲۳)		(۲۷)
		کلام	تبتة الربيع (۴۷)				
نام- گذاری							
تشابه		آخر	الأول (۱۹)	ثالثُ الْقَوْمِ (۴۵)			
		بعده	أبویکر	عثمان			
		(۲۳)	محدوف	محدوف			
		عمر					
		محدوف					

در مرحله بعدی برای دستیابی به نمونه‌های مرتبط جهت محاسبه درصد انسجام متن خطبه شقشقیه، عوامل انسجامی دارای هم‌زنجیره، در زنجیره‌هایی با عناوین یکسانی و شباهت گذاشته می‌شوند. قابل ذکر است «بر اساس نظریه هالیدی و حسن، عوامل انسجام دستوری در زیر مجموعه زنجیره‌های یکسانی و عوامل انسجام واژگانی، جزء زنجیره‌های شباهت در نظر گرفته می‌شوند» (ر.ک: سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰، ص ۲۶). در این مرحله تنها عوامل انسجامی شرکت داده می‌شوند که در یک زنجیره (ستون)، دست‌کم دو عضو یا بیشتر داشته باشند؛ برای نمونه عامل انسجامی «الطیر» که در جدول شماره ۲ وجود دارد، در این جدول جایی ندارد؛ زیرا فاقد هم‌زنجیره است و از نمونه‌های جنبی تلقی می‌شود.

هم‌چنان که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌گردد، سه نمونه بدون هم‌زنجیره، در

جمله‌های شماره ۶: «الطیر» و شماره ۱۳: «مؤمن» و شماره ۴۴: «هَنِّ وَهِنٍ»، وجود دارد که نمونه‌های جنبی نامیده می‌شوند. اما دیگر نمونه‌ها همگی دارای هم‌زنجیره هستند و با دیگر نمونه‌ها «گره» (Tie) تشکیل داده‌اند.

همان‌گونه که در جدول شماره ۴ خواهد آمد، تمامی نمونه‌های بی‌هم‌زنجیره، حذف خواهند شد. جدول مذکور، فقط محل تفکیک عوامل انسجامی دارای هم‌زنجیره به صورت ستونی است. واژگانی که در جدول شماره ۳ جزء عوامل انسجام دستوری بوده‌اند، اکنون در جدول شماره ۴ در زیر علامت اختصاری «ی» نوشته شده‌اند. و واژگانی که زیرمجموعه عوامل انسجام واژگانی بوده‌اند، اکنون در جدول شماره ۴ زیر علامت اختصاری «ش» قرار گرفته‌اند. از طرفی، واژگانی که هم‌زنجیره‌ها عوامل دستوری و هم عوامل واژگانی بوده‌اند، اکنون در جدول شماره ۴، زیر علامت اختصاری «ی/ش» نوشته شده‌اند، به شکل زیر:

دستوری =	زنجیره یکسانی =	علامت اختصاری «ی»
واژگانی =	زنجیره شباهت =	علامت اختصاری «ش»
دستوری و واژگانی =	زنجیره یکسانی و شباهت =	علامت اختصاری «ی/ش»

شایان توجه است که تعیین کل نمونه‌ها، نمونه‌های مرتبط و نیز نمونه‌های جنبی، در یافتن درصد انسجام دستوری و واژگانی در هر متن کمک می‌کند. بر اساس جدول شماره ۴، تعداد نمونه‌های مرتبط-عوامل انسجامی هم‌زنجیره- (۱۴۴) مورد است و تنها (۳) واژه یا عامل انسجامی در متن خطبه شقشقیه وجود داشته که تعامل زنجیره‌ای با دیگر واژگان نداشته‌اند و نتوانسته‌اند با دیگر عوامل خطبه، ارتباط انسجامی برقرار نموده، به عبارتی «گره» (Tie) تشکیل دهند.

جدول شماره ۴) زنجیره‌های یکسانی و شباهت در خطبه شقشقیه

جمله	ی/ش	ی/ش	ی/ش	ی/ش	ش	ش	ش	ش	ی/ش	ی	ی	ش	ش	ی/ش
۱									انا					
۲									فُلَانٌ	تَقَمَّصٌ				
۳									هـ	ها	ها			

					ابن الخطأ ب	فأذلی بها بَعْدَهُ		هـ	بها (الخلا أبوکر) فة)					۲۰
						یا عَجَباً (أنا)								۲۱
						یَسْتَقْبِلُهَا فِی حِیَاتِهِ		هـ	بها (الخلا أبوکر) فة)					۲۲
					لاخر بعد وفاته (عمر)	عَقَدَهَا			ها وفاته (الخلا فة)					۲۳
								لَشَدَّ مَا تَشْطُرُ	صَرَعِيهَا					۲۴
								فَصَبَّرَهَا	ها (الخلا فة)					۲۵
					كلنها			يَغْلُظُ	ها (الخلا فة)					۲۶
					مُسْهُا			يَخْشُنُ	ها (الخلا فة)					۲۷
					العناز			يَكْتُرُ فِيهَا	ها (الخلا فة)					۲۸
					الأغندار				فَصَاحِبُهَا					۲۹
					(كان)	كراكب الصعبة								۳۰
								إِنْ أَشَقَّ لَهَا حَرَمٌ	ها (الصعبة)					۳۱
								وَ إِنْ أَسْلَسَ لَهَا تَفَحَّمْ	ها (الصعبة)					۳۱
					خَبِطُ، شِمْاسُ، تَلَوْنُ، اغْتِراضُ	فَمُنَى النَّاسِ ...ب				لَعَمْرُ اللَّهِ				۳۲
					طُولُ الْمُدَّةِ			صَبَّرْتُ عَلَى	(أنا)					۳۳
					شِدَّةُ الْمِخْنَةِ.			(صَبَّرْتُ عَلَى)	(أنا)					۳۴

					هو (عمر)	إذا مضى لِسَبِيلِهِ						٣٥
					(هو)	جعلها في جماعة		ها (الخلا فة)				٣٦
				هم (الراشدين)		أنا رَعَمَ أَنَّى أَحَدُهُمْ						٣٧
				الثوري		(أنا) (أعجب)		الله				٣٨
				هم (الثوري)		أنا اعترض الرب		الأول				٣٩
				هذه التطائر!؟		أنا حتى صرت أقرب						٤٠
				ضمير واو (الثوري)		أنا لكني أسففت إذ أسفوا						٤١
				ضمير واو (الثوري)		أنا طرت إذ طاروا						٤٢
				ضمير واو (الثوري)			صغى رجل منهم لصغبه					٤٣
				الأخر			مال لصهره					٤٤
				هو تألت القوم (عثمان)		قام نافحاً حصنني تبيته واعتلته						٤٥
				معهم (عثمان)		قام معه بنو أبيه يخضبون ن		مال الله				٤٦
					نبتة الربيع		خضم الإبل					٤٧
				هو (عثمان)			أنكثت فأله					٤٨
				هو (عثمان)			أجهز عليه عمله					٤٩

١٩٨
نوهن

بهار ١٣٩٩ / شماره ٨١ / محمدحسن امرائي، عبدالواحد باعري

۵۰	کِتَبٌ بِهِ بَطْنَةٌ	هو (عثمان)								
----	----------------------------	---------------	--	--	--	--	--	--	--	--

اکنون با توجه به مبانی نظری پژوهش، درجه انسجام متن خطبه ششقیه به صورت عملی محاسبه می‌گردد. برای تعیین میزان انسجام در متن خطبه، باید نمونه‌های مرتبط- دارای هم‌زنجیره- نسبت به کل نمونه‌ها سنجیده شوند. کل نمونه‌ها، شامل عوامل شرکت کننده در جدول شماره ۲ هستند. نمونه‌های مرتبط نیز شامل عوامل شرکت کننده در جدول شماره ۴ هستند. نمونه‌های جنبی نیز عواملی هستند که در جدول شماره ۴ دیده نمی‌شوند؛ اما در جدول شماره ۲ حضور دارند.

بر اساس جدول شماره ۲ کل نمونه‌های خطبه ششقیه (۱۴۷) مورد، نمونه‌های مرتبط خطبه نیز (۱۴۴) مورد، و نمونه‌های جنبی یا بی‌هم‌زنجیره، تنها (۳) مورد هستند که به ترتیب در جمله شماره ۶: «الطیر» و شماره ۱۳: «مؤمن» و شماره ۴۴: «هَنِّ وَهَنٍ»، در جدول قابل ملاحظه هستند.

بر همین اساس انسجام خطبه ششقیه ۹۷/۹۵٪ است. این رقم نشان می‌دهد که خطبه ششقیه بر اساس الگوی هالیدی و حسن (۱۹۸۵م) از انسجام بسیار بالایی برخوردار است.

نظر به اینکه روش آماری در تجزیه و تحلیل موضوعات، نسبت به روش ادبی، روش دقیق‌تر و مطمئن‌تری است؛ در این بخش برآن شدیم تا میزان انسجام و هماهنگی انسجامی را در خطبه ششقیه، مورد بررسی و تحلیل آماری قرار داده و داده‌های به‌دست‌آمده از جدول‌ها را به صورت کمی به مخاطب نشان دهیم:

جدول شماره ۵) توزیع فراوانی و درصد عوامل انسجامی در خطبه ششقیه

عنوان	عوامل دستوری		عوامل واژگانی						
	ارجاع	جانشینی و حذف	تکرار	بزه و کل	هم‌معنایی	تضاد معنایی	برابری	نشابه	نام‌گذاری
فراوانی عوامل / درصد	۲۱	۳۲	۷۰	۵۷	۵	۳	۶	۳	-
عنوان خطبه	فراوانی	عوامل							

درصد	۶۵	۲۴	۵۳	۹۳	۵	۵	۰	۵	-
	%۱۰/۱	%۱۶/۱	%۳۵/۱	%۲۸/۱	%۲/۳	%۱/۲	%۳/۴	%۱/۲	-
درصد کلی	%۲۶/۸۹		%۷۳/۰۷						

با دقت در جدول شماره ۸، در این جستار، قابل دریافت است که این جدول بیانگر تفاوت در نسبت عوامل دستوری و واژگانی در متن خطبه شمشقیه است. با مقایسه عوامل انسجام دستوری، قابل ملاحظه است که بسامد عامل جانشینی و حذف، بیشتر از عامل ارجاع است. این موضوع بیشتر به سبب حذف ضمیر در افعال است که در زبان عربی بیشتر رخ می‌دهد. در میان عوامل واژگانی نیز عوامل تکرار، جزء و کل، برابری، هم‌معنایی، در متن خطبه شمشقیه بیشترین بسامد را یافته است. عوامل تضاد و تشابه نیز مشترکاً کم‌ترین بسامد را داراست. از طرفی عامل نام‌گذاری، هیچ‌گونه بازتابی در متن خطبه نیافته است.

جدول شماره ۶) توزیع فراوانی و درصد نمونه‌ها در خطبه شمشقیه

کل نمونه‌ها	نمونه‌های مرتبط	نمونه‌های جنبی	نسبت نمونه‌های مرتبط به کل نمونه‌ها
۱۴۷	۱۴۴	۳	%۹۸

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفت، می‌توان گفت که: مسئله انسجام در **نهج البلاغه** می‌تواند از مسائل جدید و قابل اعتنا باشد. **نهج البلاغه** نیز در مرتبه قرآن ثانی به عنوان یک متن دینی و اثرگذار، علاوه بر بعد غنی دینی و عرفانی آن یک اثر جاویدان ادبی و بلاغی است که به حق می‌بایست در جنبه‌های مختلف زبانی مورد بررسی قرار گیرد. گرچه این توجه با نگاهی به کتابشناسی **نهج البلاغه** قابل ستایش است؛ اما رویکردهای نوین زبان‌شناختی کمتر مورد توجه بوده است؛ به‌ویژه در خصوص انسجام اصولاً تحقیقی صورت نگرفته است. پیش از این **نهج البلاغه** معمولاً از نگاه سنتی و با تکیه بر مفاهیم موجود در کتاب‌های بلاغی بررسی شده است؛ ولی تحلیل این کتاب از منظر زبان‌شناختی

بسیار اندک است و در حوزه انسجام نیز تقریباً تحقیقی درباره خطبه شقشقیه انجام نشده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از این است که علی‌رغم وجود تفاوت‌هایی در نسبت عناصر دستوری و واژگانی، متن خطبه شقشقیه از **نهج البلاغه** امام علی علیه السلام از انسجام متن بسیار بالایی برخوردار است.

در خطبه شقشقیه، از مجموع کل ۱۴۷ نمونه پژوهش شده، ۱۴۴ نمونه مرتبط و دارای هم‌زنجیره بوده، و تنها ۳ نمونه جانبی دیده می‌شود که تعامل زنجیره‌ای با عوامل دیگر نداشتند. بر همین اساس، انسجام خطبه شقشقیه ۹۸٪ است. این رقم نشان می‌دهد که خطبه شقشقیه کاملاً منسجم و هماهنگ است. تقریباً تمامی عوامل انسجام در متن خطبه شقشقیه وجود دارند. تنها عامل «نامگذاری» در متن خطبه یافت نشده است. سایر عوامل انسجام غیر ساختاری با تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در متن حضور دارند. در متن خطبه پس از عامل واژگانی تکرار، عامل جزء و کل، سپس جانشینی و حذف، به ترتیب در مراحل بعدی بالاترین بسامد را در جایگاه دوم و سوم یافته است. با مقایسه عوامل انسجام دستوری مشخص می‌شود، بسامد عامل جانشینی و حذف در خطبه بیشتر از عامل ارجاع است که این موضوع غالباً به سبب حذف ضمیر در افعال زبان عربی است که فراوان رخ می‌دهد. در میان عوامل واژگانی، دو عامل تضاد و تشابه در سطح پایین‌تری از متن خطبه انعکاس یافته و وجود دارد؛ اما عامل نامگذاری، در متن خطبه، بازتابی نداشته است.

منابع و مأخذ

۱. امرائی و همکاران؛ «ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل بر اساس نظریه هالیدی و حسن»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی؛ س ۷، ش ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
۲. الأندلسی، ابوحيان؛ البحر المحيط فی التفسیر؛ تحقیق صدقی محمد جمیل؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۳. آقا گل‌زاده، فردوس؛ تحلیل گفتمان انتقادی؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴.
۴. بلاشر، رژی؛ در آستانه قرآن؛ ترجمه رامیار؛ تهران: دفتر نشر و فرهنگ

- اسلامی ۱۳۷۸.
۵. پاشازانوس، احمد و مریم نبی‌پور؛ «عوامل انسجام در سوره زلزال (بر اساس نظریه هالیدی و حسن)»، پژوهشنامه معارف قرآنی؛ ش ۸، ص ۳۰، پاییز ۱۳۹۶، ص ۸۱-۱۰۱.
۶. پهلوان‌نژاد، محمدرضا و رضا زمردیان؛ «تحلیل نحوی- معنایی ساختمان بند ساده در زبان فارسی بر پایه دستور نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد؛ ش ۱۴۵، ۱۳۸۳، ص ۷۴-۵۵.
۷. خوش‌منش، ابوالفضل؛ «بررسی تدوین و انسجام آیات قرآن از منظر شرق- شناسان و آیت‌الله طالقانی»، پژوهش‌نامه علوم و معارف قرآن؛ ش ۸، ۱۳۸۹.
۸. سارلی، ناصر قلی و طاهره ایشانی؛ «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاریست آن در یک داستان (قضه نردبان)»، فصلنامه علمی- پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء؛ ش ۲، ص ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۵۱-۷۷.
۹. سجودی، فرزانه؛ نشانه‌شناسی کاربردی؛ تهران: نشر علم، ۱۳۹۳.
۱۰. شعبانلو، علی‌رضا، مهدی ملک ثابت و یدالله جلالی بندری؛ «فرایند دستوری در شعری بلند از عمق بخارایی»، نشریه علمی پژوهشی گویا؛ ش ۵، ۱۳۸۷.
۱۱. الصافی، محمود بن عبدالرحیم؛ الجدول فی إعراب القرآن الکریم؛ ط ۴، دمشق: دارالرشید، بیروت: مؤسسة الایمان، ۱۴۱۸ق.
۱۲. العوی، سلوی؛ «روابط متنی در قرآن: مناسبت انسجام و ساختار»، ترجمه ابوالفضل حری؛ کتاب ماه دین؛ ش ۱۷۱، دی‌ماه ۱۳۹۰، ص ۷۹-۵۰.
۱۳. گرین، کیت و جیل لیبهان؛ درس‌نامه نظریه نقد ادبی؛ ویراستاری حسین پاینده؛ تهران: روزنگار، ۱۳۸۳.
۱۴. مهاجر، مهران و محمد نبوی؛ به سوی زبان‌شناسی شعر، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۶.